روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کارو کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee_irani
ایمیل: toseirani@gmail.com

آنلاین
toseeirani.ir
شماره ۲۱۵۰ / پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ / ۲۰ شوال ۱۴۴۶ / ۹ آوریل ۲۰۲۶

گزارش

سازمان لیگ در آتش‌بس چه تصمیمی برای لیگ و حذفی می‌گیرد؟
آغاز جنگ فوتبال

نازنین دشتی

با اعلام آتش‌بس، فوتبال ایران نفس راحتی کشـید. باشگاه‌ها بلافاصله تمرینات خود را از سر گرفتند تا بازیکنان را پس از وقفه‌ای طولانی به شرایط مسابقه بازگردانند. اما در حالی که صدای سوت پایان جنگ به گوش می‌رسد، نبرد دیگری در راهروهای سازمان لیگ آغاز شده است؛ نبردی بر سر سرنوشت لیگ برتر بیسـت‌وپنجم. در شرایطی که تیم‌ها برای از سر گیری مسابقات آماده می‌شوند، سازمان لیگ با یک معمای پیچیده مواجه اسـت؛ چگونه می‌توان لیگ را در مهلت باقی‌مانده به پایان رساند؟ تقویم فشرده، نزدیکی به جام جهانی و مهم‌تر از همه، اختلاف نظر شدید باشگاه‌ها بر سر نحوه ادامه بازی‌ها، کار را برای سازمان لیگ دشوار کرده است.

هفته گذشـته و در جریـان جنگ، حیـدر بهاروند، رییس سـازمان لیگ، در برنامه تلویزیونی «فوتبال برتر» از جدیدترین طـرح برای تعیین قهرمـان رونمایی کرد؛ برگزاری یک تورنمنت ۶جانبه متمرکز در کرمان. این طرح، پاسخی به فشارهای کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) برای معرفی هرچه سریع‌تر سهمیه‌های لیگ نخبگان بود. بهاروند اعلام کرد که اگر امکان برگزاری کامل مسـابقات تا پیش از جام‌جهانی فراهم نشود، این تورنمنت بین ۶تیم بالای جدول برگزار خواهد شد تا قهرمان مشخص شود و سهمیه آسیایی به پلی‌آف لیگ نخبگان راه یابد.

این طرح اگرچه از نظر زمانی منطقی به نظر می‌رسید، اما بلافاصله با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شـد. منوچهر نیک‌فر، مدیرعامل سپاهان، با شـرط فراهم شدن زمان کافی برای ریکاوری بازیکنان، موافقت خود را اعلام کرد. اما این تنها روی سکه بود. سردترین و تندترین واکنش از سوی باشگاه استقلال، صدرنشـین کنونی لیگ، صورت گرفت. علی تاجرنیا، سرپرسـت مدیرعاملی استقلال، به صراحت این طـرح را رد کرد. او کـه در برنامه تلویزیونی حضور نداشـت، در پیامـی تند اعلام کرد: «در نشسـت مدیران باشگاه‌ها گفتم؛ یا ادامه کامل لیگ یا اعلام قهرمانی اسـتقلال. با تیمی که هفت امتیاز اختلاف داریم در یک تورنمنت شرکت نمی‌کنیم.»

استدلال اسـتقلال واضح اسـت؛ با توجه به اختلاف هفت امتیازی با پرسپولیس و صدرنشینی قاطع، برگزاری تورنمنت شش جانبه به معنای نادیده گرفتن زحمات کل فصل و تضییع حق این تیم است. از دیدگاه تاجرنیا، اگر قرار نیست بازی‌ها به صورت کامل برگزار شود، استقلال باید به عنوان قهرمان معرفی شود.

در مقابل، باشگاه پرسپولیس دیدگاهی متفاوت دارد. پیمان حدادی، مدیرعامل پرسـپولیس، در همان برنامه تلویزیونی پیشـنهاد داد که اگر قرار است لیگ به صورت کامل ادامه پیدا نکند، نباید جدول فعلی معیار قرار گیرد. او خواسـتار لحاظ شـدن جدول نیم‌فصل شد، جایی که پرسپولیس سه امتیاز بیشتر از استقلال داشت و سپاهان صدرنشین بود.

این پیشنهاد، عمق اختلافات و منافع متضاد باشگاه‌ها را نشان می‌دهد. هر باشـگاهی، با توجه به جایگاه خود در جدول (چه در پایان نیم‌فصل و چـه در حال حاضر)، پلن مورد نظر خود را برای تعیین تکلیـف لیگ ارائه می‌دهد. علاوه بر درگیری بر سر قهرمانی، دو چالش بزرگ دیگر نیز پیش روی سازمان لیگ قرار دارد. اولین چالش، زمان‌بندی فشرده تا آغاز جام‌جهانی است. با توجه به اینکه امکان اتمام کامل بازی‌ها تا آن زمان وجود ندارد، سـازمان لیگ باید تصمیم بگیرد که آیا بازی‌ها را به بعد از جام‌جهانی موکول کند یا خیر.

دومین چالش، سرنوشـت جام حذفـی و تقویم فصل آینده است. اگر لیگ به صورت کامل به تعویق بیفتد و در تابستان ادامه یابد، فصل آینده فوتبال ایران با تداخل جدی در برنامه‌ریزی و آمادگی تیم‌ها برای مسـابقات آسیایی مواجه خواهد شد.

در این میـان، تکلیف تیم‌هـای انتهای جـدول نیز نامشخص است. بهاروند اعلام کرده که تصمیم‌گیری درباره سقوط کنندگان به بعد از جام جهانی موکول خواهد شد. اما این تصمیم نیز می‌تواند با اعتراض تیم‌های در معرض سـقوط مواجه شـود که معتقدند باید سرنوشت لیگ به صورت یکپارچه مشخص شود.

در نهایت، سـازمان لیگ در شـرایطی دشـوار قرار گرفته است. از یک سو باید به الزامات AFC برای معرفی سـهمیه‌های آسیایی پاسـخ دهد و از سـوی دیگر، باید راهکاری پیدا کند که رضایت نسبی باشگاه‌ها را جلب کند. هر تصمیمی که گرفته شـود، به احتمال زیاد با اعتراض و جنجال همراه خواهـد بود. آیا سـازمان لیگ می‌تواند راهی پیدا کند که هم عادلانه باشـد و هم تقویم فشرده را مدیریت کند؟

با ایلنا همراه شوید
خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

بایرن در برنابئو رئال را شکست داد اما این پایان داستان نیست

رقص مرگ روی لبه تیغ

آریا طاری

وقتی سـوت پایان تونی هاروی، داور مسابقه در آسمان تاریک و ابری مادرید طنین‌انداز شد، اسـکوربرد غول‌پیکر سـانتیاگوبرنابئو اعدادی را نشـان می‌داد که برای مادریدیسـت‌ها حکم یک مرثیه تمام‌عیار را داشـت؛ رئال‌مادرید یک و بایرن‌مونیـخ دو. اما این اعـداد، این نمادهای دیجیتالی سرد و بی‌روح، حتی نمی‌توانند قطره‌ای از اقیانوس جنون، التهاب و درامـی را که در این ۹۰دقیقه بر چمن برنابئو گذشـت، روایت کنند. فوتبال سه‌شنبه‌شـب، در یکی از خالص‌ترین، بی‌رحم‌تریـن و حماسـی‌ترین فرم‌هـای خود تجلی یافت. نبرد رئال و بایرن، صرفا یک مسابقه ورزشـی در دور رفت مرحله یک‌چهـارم نهایی لیگ قهرمانـان اروپا نبود؛ این یـک تراژدی بود که در آن، قهرمانان و ضدقهرمانان در کسـری از ثانیه جای خود را با یکدیگر عوض می‌کردند. این یادداشت، کالبدشکافی شـبی است که مادرید روی لبه‌تیغ راه رفت؛ شـبی که می‌توانسـت با رستگاری به پایان برسـد، اما با یک زخم عمیق خاتمه یافت؛ والبته شبی که ماشین باواریا، باوجود فتح سنگر دشـمن، فراموش کرد تیر خلاص را شلیک کند.

زیبایی رعب‌آور بازی این هفته در پارادوکس عجیبی نهفته بود که در تار و پود مسابقه جریان داشـت. از نگاه یک ناظـر بی‌طـرف و منتقد، نتیجـه دو بر یک همزمـان که عادلانـه به نظر می‌رسید، بزرگ‌ترین دروغ ممکن نیز بود. چگونه؟ رئال‌مادرید می‌توانسـت بازنده نباشد. شاگردان آلوارو آربلوا در مقاطعی از نیمه دوم، چنان خیمه سنگینی بر دروازه بایرن زدند که بوی گل تساوی و حتی پیروزی، تمام سکوهای برنابئو را مست کرده بود. امواج حملات مادریـد، یکی پس از دیگری، صخره‌هـای دفاعی بایـرن را می‌کوبید و منطق فوتبال حکم می‌کرد که این حجم از فشار، باید به فروپاشی دیوار مونیخ منجر شود. اما در آن سوی میدان، نیرویی فراطبیعی ایستاده بود که قوانین فیزیک و گذر زمان را به سخره می‌گرفت.

از سـوی دیگـر، رئال‌مادرید می‌توانسـت سه‌شنبه‌شب با یک تحقیر تاریخی، وحشتناک و جبران‌ناپذیر زمین را تـرک کند. در ۱۵دقیقه پایانی بـازی، زمانی که سـاختار تیمی مادرید برای زدن گل تسـاوی به شـکل انتحاری از هم پاشـیده بود، بایرن مونیخ به بی‌رحم‌ترین شکل ممکن در ضدحملات ظاهر شـد. اگر مهاجمان بایرن در زدن ضربات آخر دقت می‌کردند، نتیجه بازی می‌توانست چهار بر یک یا پنج بر یک باشد و پرونده این فصل از لیگ قهرمانـان رئال، برای همیشه بسته شود.

برای درک اینکه چرا رئال‌مادرید بازنده شـد، نباید فقط به تاکتیک‌های کمپانی یا اشـتباهات خط دفاعی مادرید نگاه کرد؛ باید به چشـم‌های مردی خیره شد که دسـتکش‌های زردرنگش، به سـپر بلاگردان تمام ایالت باواریا تبدیل شده بود؛ مانوئـل نویر. نویـر در برنابئـو دروازه‌بانی نکرد؛ او جادو کرد. در شـبی که بسـیاری گمان می‌کردند سن و سـال بالاخره واکنش‌های او را کند کرده است، او با نمایشـی که یادآور بهترین روزهای جوانی‌اش در جام جهانـی ۲۰۱۴ بود، قلب برنابئو را از تپش انداخت. واکنش‌های نویر، صرفا دفع توپ نبود؛ آنهـا خنجرهایی بودند که بـر روح مهاجمان رئال‌مادرید فـرود می‌آمدند. رئال‌مادرید سه‌شنبه شب در برابر یک دروازه‌بان بازی نمی‌کرد؛ آنها با یـک مفهوم می‌جنگیدند؛ با سـدی روان‌شـناختی که به آنها القا می‌کرد؛ امشب، عبور ممنوع است. تک گل کیلیان امباپه خلوت بـرای مهاجمـان بایرن تبدیل شـد. در ۱۰دقیقه پایانی به علاوه وقت‌های تلف‌شده، بایرن سه موقعیت صددرصد گلزنی تک‌به‌تک را از دست داد. لروی سانه و جمال موسیالا در موقعیت‌هایی که گل کردن‌شان راحت‌تر از دست دادن‌شان بود، توپ‌ها را به بیرون زدند یا تسلیم لونین شدند.

در سـطح اول لیگ قهرمانان اروپا، زنده نگه داشـتن تیمی مثـل رئال‌مادرید، یک اشـتباه محاسباتی نیست؛ یک خودکشی خاموش است. بایرن در بازی رفت پیروز شـد، امـا کمپانی در کنار زمین، در دقایق پایانی با خشـم تمام فریاد می‌کشـید، زیرا او به خوبی می‌داند که اگر گلوی رئال‌مادرید را وقتی زیر دسـتت قرار دارد کاملا نفشـاری، آنها برمی‌خیزند و تو را خواهند بلعید. بایرن فرصت داشـت تا بازی برگشـت را به یک تشریفات تبدیل کند، اما حالا، آنها با دست خود، هیولا را برای نبرد مونیخ بیدار نگه داشته‌اند.

در کنار خط طولی زمین، تقابل آلوارو آربلوا و وینسنت کمپانی، تئاتری تماشایی از احساسات متناقض بـود. کمپانی که با چهره‌ای سـنگی و کت‌وشـلواری تیره‌رنگ ایسـتاده بود، شبیه به فرماندهی به نظر می‌رسید که نقشه‌اش موبه‌مو در حال اجراسـت. پیروزی در برنابئو برای او، به منزله تولدی دوباره در عرصه مربیگری اروپا بود. او بالاخره اثبات کرد کـه می‌تواند در بزرگ‌ترین اسـتیج جهان، یک رقیب گردن‌کلفت را از نظر تاکتیکی خلع سلاح کند.

اما در سـوی دیگر، آلوارو آربلوا، مرد روزهای سخت و پادشـاه فعلی نیمکت مادرید، در حال تجربه یکی از تلخ‌ترین شب‌های دوران ورزشی‌اش بود. آربلوا که در لالیگا با اختلاف هفت امتیازی از بارسلونا عملا شانس قهرمانی را از دست داده، تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سـبد لیگ قهرمانان چیده است. او سه‌شنبه کنار زمین آرام و قرار نداشت. با هر موقعیتی که از دست می‌رفت، چهره‌اش در هم می‌رفت و با هر ضدحمله بایرن، نفس در سینه‌اش حبس می‌شـد. برای آربلوا، این شکست چیزی فراتر از باخت یک مسـابقه بود. این زنگ خطری بود برای پایان زودهنگام پروژه‌ای که با امیدهای فراوان آغاز شده بود. سیستم‌بازی او سه‌شنبه شب در برابر فشردگی بایرن، ایده‌های خلاقانه خود را از دسـت داده بود و تکیه بیش از حد بر خلاقیت فردی ستاره‌ها، در برابر سد محکمی چون نویر، راه به جایی نبرد. آربلوا حالا می‌داند که صندلی داغ برنابئو، از همیشه سوزان‌تر شده است و فلورنتینو پرز، مدیری نیست که به خاطر خاطرات شیرین گذشته، چشم بر ناکامی‌های زمان حال ببندد.

بایرن در مصاف با رئال، فقط نویر نبود. وینسنت کمپانی با یک شاهکار تاکتیکی پای به مادرید گذاشته بود. مرد بلژیکی که مدت‌ها به ناتوانی در بازی‌های بزرگ متهم می‌شد، سه‌شنبه‌شب با یک طرح‌ریزی بی‌نقص، نشان داد که درس‌هایش را در مکتب بزرگان به خوبی پس داده است

در دقیقه ۷۴، تنها یک ترک کوچک بر این دیوار بتنی بود، اما برای فرو ریختـن کامل امپراتوری نویر، کافی به نظر نمی‌رسـید. نویـر ثابت کرد که چرا برخـی از بازیکنان، از مرزهـای فوتبال عبور می‌کنند و به اسـطوره‌هایی دست‌نیافتنی تبدیل می‌شوند.

اما بایرن در مصـاف با رئال، فقـط نویر نبود. وینسنت کمپانی با یک شـاهکار تاکتیکی پای به مادرید گذاشـته بود. مرد بلژیکی که مدت‌ها به ناتوانـی در بازی‌های بزرگ متهم می‌شـد، سه‌شنبه‌شـب با یک طرح‌ریزی بی‌نقص، نشان داد که درس‌هایش را در مکتب بزرگان به خوبی پس داده است. بایرن در نیمه اول، با یک پرسینگ وحشتناک و چرخش‌های سریع توپ، میانه میدان را از آن خود کرد. گل اول توسـط لوئیس دیاز در دقیقه ۴۱، نتیجه مستقیم همین خفگی تاکتیکی بود. توپ‌گیری در میانه زمین، انتقال سـریع در کمتر از چهار ثانیه و ضربه تمام‌کننده. وقتی هری کین در نیمه دوم گل دوم را به ثمر رساند، به نظر می‌رسید ماشین باواریا آماده است تا بقایای غرور مادریدی‌ها را له کند.

با این حـال، در کنار این نمایـش مقتدرانه، بایرن مونیخ سه‌شنبه شب یک گناه نابخشودنی مرتکـب شـد. پـس از گل امباپـه و زمانی که رئال‌مادرید برای فرار از شکسـت خانگی، تمام ساختار دفاعی خود را فدا کرد تا سراپا حمله شود، فضاهای پشت سـر مدافعان رئال به اتوبان‌هایی

بایرن در بازی رفت پیروز شد، اما کمپانی در کنار زمین، در دقایق پایانی با خشم تمام فریاد می‌کشید، زیرا او به خوبی می‌داند که اگر گلوی رئال‌مادرید را وقتی زیر دستت قرار دارد کاملا نفشاری، آنها برمی‌خیزند و تو را خواهند بلعید

رئال‌مادرید می‌توانست سه‌شنبه‌شب با یک تحقیر تاریخی، وحشتناک و جبران‌ناپذیر زمین را ترک کند. اگر مهاجمان بایرن در زدن ضربات آخر دقت می‌کردند، نتیجه‌بازی می‌توانست چهار بر یک یا پنج بر یک باشد و پرونده این فصل از لیگ قهرمانان رئال، برای همیشه بسته شود

اتفاق روز

نگار رشیدی

شب لیسبون برای میکل آرتتا، نه با بوی قهوه معروف پرتغال که با طعم تند اضطراب آغاز شد. سرمربی اسپانیایی که تا همین چند هفته پیش، ردای یک فاتح تاریخی را بر تن داشت و در آرزوی فتح چهارگانه بود، سه‌شنبه‌شب در ورزشگاه ژوزه آلوالاده با واقعیتی عریان روبه‌رو شد؛ آرسنال او، دیگر آن ماشین شکست‌ناپذیر نیم‌فصل اول نبود. آنها زخمی بودند، جام‌های داخلی را از دست داده بودند و لیگ قهرمانان، آخرین سنگری بود که اگر فرو می‌ریخت، تمام پروژه چندساله آرتتا زیر سوال می‌رفت. پیروزی یک بر صفر آرسنال در دور رفت یک‌چهارم نهایی مقابل اسپورتینگ، شاید در نگاه اول یک نتیجه حداقلی به نظر برسد، اما برای مرد لندنی، این هزار و پانصد گرم طلای خالص بود. این بردی بود که آرتتا را از برزخ ناکامی بیرون کشید و به او اجازه داد تا پس از هفته‌ها، نفسی از سر آسودگی بکشد.

آرسنال بازی را طبق عادت همیشـگی، با مالکیت بالای توپ آغاز کرد. اما برخلاف همیشه، این مالکیت نه یک ابزار برای شـکنجه حریف که شبیه به یک تله خودساخته بود. در مقابل اسپورتینگ با صبری خاص، فضاهای میانی را بسته بود و اجازه نمی‌دادند مثلث‌های هجومی آرسنال شـکل بگیرد. توپچی‌ها در نیمه اول، بارها و بارها در دیواره دفاعی لایه‌لایه سبز و سفیدپوشان لیسبون محصور شدند. آرتتا کنار زمین، با آن چهره سنگی و لباس تیره، مدام با دست‌هایش از بازیکنان می‌خواست که عرض بازی را بیشتر کنند، اما اسپورتینگ با پرس شدید روی هافبک‌های بازیساز آرسنال، نبض بازی را در دست گرفته بود. در لیسبون، هر پاس اشتباه آرسنال با فریاد کرکننده هواداران میزبان همراه می‌شد تا فشار روانی بر ساق‌های بازیکنان لندنی به اوج برسد. شرایط نگران‌کننده بود؛ تیمی که برای چهارگانه می‌جنگید، حالا در برابر قرعه به ظاهر راحتش، به بن‌بست رسیده بود.

نقطه عطف این نبرد، در ذهن میکل آرتتا رقم خورد. او که همیشه به عنوان مربی‌ای شناخته می‌شود که حاضر نیست از اصول زیبایی‌شناسی فوتبال مالکانه عقب‌نشینی کند، سه‌شنبه شب در نیمه دوم دست به یک قمار شخصیتی زد. آرتتا فهمیده بود که در این وضعیت بحرانی، «زیبا باختن» هیچ پاداشی ندارد. او آرسنال را به سمت یک فوتبال عمل‌گرایانه‌تر سوق داد. آرسـنال در نیمه دوم، کمی عقب‌تر نشست تا اسپورتینگ را وسوسه کند که جلو بیاید. این همان تغییری بود که توازن بازی را به هم زد. آرتتا به جای اصرار بر نفوذ از قلب دفاع، به وینگرهایش دسـتور داد تا از فضای پشت مدافعان کناری

کای هاورتز، آرتتا را از لبه پرتگاه بازگرداند

فرار به سوی پیروزی

پیش‌تاخته اسپورتینگ استفاده کنند. این تغییر رویه، نشان از بلوغ مربی‌ای داشت که می‌دانست نیمکتش لرزان است و برای ماندن، به نتیجه نیاز دارد، نه تحسین منتقدان. آرتتا این هفته ثابت کرد که می‌تواند در شب‌های سخت، پیراهن شیک کمال‌گرایی را در بیاورد و لباس رزم یک مربی نتیجه‌گرا را بر تن کند.

در دقیقه ۹۰+۲، زمانی که خستگی بر تن مدافعان اسپورتینگ نشسته بود، روی یک ارسال تند و تیز از جناح راست و آشفتگی در محوطه جریمه، هاورتز با همان خونسردی یخی و ذاتی‌اش، در بهترین جای ممکن قرار داشـت. او با یک ضربه تمام‌کننده دقیق، توپ را به تور دروازه اسپورتینگ دوخت. لحظه به ثمر رسیدن گل، انفجار بغض چندین هفته‌ای آرتتا روی نیمکت بود. او که معمولا در شادی‌های گل خویشتن‌دار است، این بار مشت‌هایش را گره کرد و فریادی از اعماق وجود کشید. کای هاورتز، بازیکنی که همیشه با انتقاداتی درباره قیمت و کارایی‌اش روبه‌رو بوده، نه فقط یک بازی، که شاید فصل آرسنال و آینده آرتتا را نجات داد. این گل، شبیخونی بود که لیسبون را در سکوت فرو برد و لندن را به رقص واداشت.

سوت پایان بازی برای آرتتا، حکم تبرئه را داشت. آرسنال یک بر صفر برد، اما این برد فراتر از یک پیروزی حداقلی بود. جزییات بازی نشان می‌دهد که آرسنال در خط دفاعی، با درخشش ویلیام سـالیبا و گابریل، دوباره آن صلابت از دست رفته را پیدا کرده است. آنها اجازه ندادند اسپورتینگ حتی یک موقعیت جدی گلزنی روی دروازه خلق کند و این کلین‌شیت اروپایی، دقیقا همان چیزی بود که اعتماد به نفس از دست رفته خط دفاعی را باز گرداند.

آرتتا پس از بازی در کنفرانس خبری، چهره‌ای به مراتب آرام‌تر داشت. او دیگر آن مربی مضطرب هفته قبل نبود. او با فروتنی گفت: «ما می‌دانستیم که اینجا زجر خواهیم کشید. اسپورتینگ تیم فوق‌العاده‌ای است، اما شخصیت تیمی ما پیروز شد. ما یاد گرفتیم که چگونه در روزهایی که عالی نیستیم، پیروز شویم.»

این جمله، کلید فهم وضعیت فعلی آرسـنال اسـت. آرتتا به آرامش رسیده، چون فهمیده است که تیمش هنوز شخصیت برنده دارد. حالا با این اندوخته گرانبها، آرسنال به امارات بازمی‌گردد تا در بازی برگشت، کار را تمام کند. آنها هنوز در اروپا زنده هستند و این پیروزی، مانند یک آمپول مسکن قوی، درد از دست رفتن جام‌های داخلی را تسکین داده است.

آرسنال آرتتا این هفته در لیسبون، از یک آزمون بزرگ روانی سربلند بیرون آمد. آنها نشان دادند که حتی وقتی از نظر بدنی خسته و از نظر روانی تحت فشار هستند، باز هم راهی برای پیروزی پیدا می‌کنند. جزییات آماری بازی شاید برتری مطلق آرسنال را نشان ندهد، اما نتیجه، تنها چیزی است که در تاریخ لیگ قهرمانان ثبت می‌شود.

آرتتا حالا چند روزی را با آرامش سـپری خواهد کرد. او می‌داند که مسـیر صعود به نیمه‌نهایی هموار شده است، اما مهم‌تر از آن، او دوباره اعتماد هواداران و مدیریت را با خود همراه کرده است. شبیخون در لیسبون، آغاز فصلی جدید برای توپچی‌ها بود؛ فصلی که در آن، دیگر خبری از رویای چهارگانه نیست، اما رویای بزرگ‌ترین جام اروپا، از همیشه در دسترس‌تر به نظر می‌رسد. آرسنال دیشب در آلوالاده، از خاکستر خود برخاست.